

بنام خدا

((مادر چراغ راه آینده است))

مقدمه ای بر چگونگی تشکیل بنیاد مادر

در سال ۱۳۵۹ به پاس قدرشناسی از زحمات و زنده نگهداشتن نام نیک پدرم بنیاد خیریه ای بنام حاج حسین محمدی تاسیس و در این مدت در حد توانم نه در حد آرزویم (آرزوهای بزرگ داشته و دارم ولی توانم اندک ...) جهت رضای خدا و ادای وظیفه انسانی خود جهت خدمت به وطنم و کمک به نیازمندان و محرومین بخصوص روستائیان عزیز خدماتی از جمله آبرسانی ، ساخت خانه بهداشت ، درمانگاه ، اورژانس ، احیا بهشت زهرا (س) ، احداث جاده ، پل ، مدرسه ، غسلخانه ، آسفالت کوچه های روستا ، درختکاری در مسیر جاده ، نصب سیستم اذان گو دیجیتال در بیش از یکصد مسجد و مکان ، احداث باغ خیریه ، احداث عبادتگاه بندگان خدا و کمک به دانشجویان و کارآفرینی برای زنان روستایی (قالی بافی و ...) و غیره انجام دادیم که هنوز هم ادامه دارد .

مدتها در فکر و اندیشه این بودم که برای مادرم چه کنم که ارزش نام مادر را داشته باشد آیا مدرسه ای یا درمانگاهی ، مرکز خیریه ای و یا مکانی بنام ایشان بنا کنم که بتوانم بر اساس اندکی قداست و مقام مادر اندکی از زحمات او را جبران کنم .

طی حدود سه سال کدو کاو و مشورت کردن با دوستان و اندیشمندان احساس کردم مقام والا و ارزشمند و نیز قداست مادر را نمی توان در یک جا و مکان مشخص محبوس و یا محدود نمود .

نام مادر ، مقام مادر و ارزشهای معنوی مادر والاتر از یک ساختمان و گسترده تر از یک مکان و یک زمان و حتی تاریخ است .

همانطوریکه خداوند بهشت را زیر پای مادران قرار داد

و این مسئله طی این چند سال فکر و روحم را مشغول کرده بود. ابتدا تصمیم گرفتم برای مادرم یک مدرسه دخترانه و یا یک درمانگاه مخصوص مادران بسازم ولی فکر کردم این کار بسیار کوچک است در مقابل مقام مادر، تا اینکه یک روز به مادر بی پناهی در جایی برخورد کردم، با خود گفتم مادر من، مرا دارد این مادر چه کسی را دارد؟ جرعه ای به ذهنم رسید که بایستی کاری برای همه مادران انجام دهم. همه مادران، مادر من هستند و این احساس در ذهنم و روحم رخنه کرد. مدتها به این موضوع فکر کردم و جوانب و راهکارهای آن را مورد مطالعه و بررسی قرار دادم و نیز با دوستان خود مشورت کردم.

تا اینکه در اردیبهشت سال ۱۳۹۳ روزی در خدمت مادرم بودم سوال کردم، مادر تولدت چه روزی است؟ مادر فرمود یادم نیست، شناسنامه ام را نگاه کن.

عشقی در چشم مادرم و شوقی در دلم احساس کردم شناسنامه را نگاه کردم، مهر سال ۱۳۰۹ بود مثل اینکه دنبال گمشده ای که می‌گشتم پیدا شد.

آن روز تا صبح روز بعد با شوق و عشق وصف نشدنی سپری شد. با خود حرف می‌زدم، زمزمه می‌کردم و خوشحال بودم، گفتم مادر خود را بهانه ای می‌کنم و بعنوان جشن تولد و قدرشناسی از مادرم آن آرزو، هدف و رویایی که در این چند سال داشتم که کاری برای همه مادران انجام دهم را عملی می‌کنم. افکارم و نگرانی‌هایم آرام گرفت، از طرق مختلف بررسی کردم که آیا در ایران چنین اهدافی برای مادران صورت پذیر شده است یا خیر؟ تا آنجا که دانش و توانم یاری نمود و بررسی کردم دیدم که تا کنون چنین کاری با این شیوه و با این اهداف در ایران انجام نشده است. گفتم بهتر است ببینیم آیا در جهان چنین مرکز و یا بنیادی با این اهداف وجود دارد یا خیر؟ باز هم از طرق مختلف (از طریق اینترنت، سوال از دوستان، بررسی مراکز علمی، سازمانهای N.G.O، دولتی و سازمانهای بین‌المللی و غیره) بررسی کردیم تا آنجا که ما دسترسی داشتیم و

توانستیم اطلاعات کسب کنیم فقط چهار مرکز N.G.O تحت عنوان بنیاد مادر mothersfoundation.com در سراسر جهان توانستیم پیدا کنیم:

۱- بنیاد مادر در حیدرآباد هند که این خیریه برای بچه های یتیم و بی سرپرست فعالیت می کند.
۲- بنیاد مادر در بنگلادش که اطلاعات زیادی در سایت آنها نیست ولی به ظاهر لباسهای دسته دوم برای افراد مستمند تهیه وپخش می کند.

۳- یک بنیاد مادر در یکی از بخشهای ایالت شیکاگوی آمریکا وجود دارد که به منظور کمک به کودکان سرطانی فعالیت می کنند.

۴- بزرگترین و معروف ترین بنیاد در دنیا تحت عنوان بنیاد مادر می باشد که دفاتر اصلی آن در نیویورک (آمریکا)، لندن (انگلستان) و ژوهانسبورگ (آفریقای جنوبی) مستقر است. که تنها به زنان و یا مادرانی که مبتلا به ایدز هستند کمک می کند.

ولی هدف و آرزوی من خیلی بالاتر از این عوامل و موضوعات جسمی، فیزیکی و دنیوی برای مادران بوده و هست.

با توجه به دانش اندک و توان محدود به این نتیجه رسیدم که باید کاری نو و والاتر از این موضوعات و مسائل برای مادران انجام دهم، نه فقط برای مادر خودم بلکه برای همه مادران وطنم و کل مادران گیتی. در نتیجه با مطالعات و بررسیهای زیاد و مشورت با دوستان، یاران، همدلان و صاحب نظران در داخل و خارج از کشور، نهایتاً تصمیم به تاسیس بنیاد مادر با اهداف مشخص گرفتم.

احساس کردم که بهترین روز برای اعلام این موضوع در سالروز جشن تولد مادرم میباشد که هم قدرشناسی از زحمات مادرم در جمع و بصورت عمومی کرده باشم و هم تاسیس بنیاد مادر را اعلام کنم.

لذا تصمیم گرفتم جشنی بعنوان نکوداشت و تولد مادرم با حضور دوستان و اندیشمندان در مهرماه برگزار کنم.

جلسات هماهنگی و ستاد اجرایی برای برگزاری جشن تولد مادرم که با همکاری، همدلی و همراهی

جناب آقای استاد ناصر امامی و جناب آقای داریوش نوید گویی و سرکار خانم زهرا سمیعی هر هفته از خرداد ماه ۹۳ برای بهتر برگزار کردن این جشن تشکیل می شد . نهایتا در آخرین جلسه یعنی در روز پنجشنبه ۱۰ مهر ماه ۹۳ پس از بحث و بررسیها ، آخرین تصمیم گیری در مورد چگونگی برگزاری نکوداشت مادرم انجام گرفت و در آخرین لحظه به دوستان اعلام کردم که قصد تاسیس بنیاد مادر را دارم که همگی ضمن استقبال از این امر خیر ، اظهار میداشتند که وقت تنگ است ومجالی نیست به دوستان عرض کردم مهم نیست نگران نباشید.تنها یک شب برای تهیه بنر به عنوان تاسیس بنیاد مادر زمان داشتیم که جناب آقای نوید گویی با عشق و علاقه و زحمت زیاد سفارش بنر بعنوان تاسیس بنیاد مادر را دادند و در روز ۱۳۹۳/۷/۱۱ در آخرین لحظات قبل از آیین نکوداشت ، بنر آماده شد .

و این امر خیر در آئین نکوداشتی که بپاس قدرشناسی از زحمات مادرم برگزار شد و بپاس ارزش مقام مقدس و والای کلیه مادران وطنم و مادران جهان، با اهداف مشخص تاسیس بنیاد مادر در روز ۱۱ مهر ۱۳۹۳ در شیراز را اعلام نمودم .

دعای مادر همیشه همراهتان

غلامرضا محمدی

بنیانگذار بنیاد مادر